

نرگس آبیار کارگردان «شیار ۱۴۳»:

آن پیامک شگفت زده‌ام کرد



فرانک آرتا

نرگس آبیار با ساخت «شیار ۱۴۳» نگاه‌ها را به خود جلب کرد. دومین فیلم بلند سینمایی او درباره مادرشهیدی است که بعد از پشت‌سر گذاشتن ناملیمات زندگی، بالاخره با پیکر پسر شهیدش مواجه می‌شود. این فیلم از زمان جشنواره فجر تا همین الان - اکران عمومی- مورد توجه مخاطبان و طیف‌های مختلف جامعه قرار گرفته. البته یک اتفاق مهم دیگر در خصوص فیلم رخ داد که انتظارات را از آبیار، از حد یک فیلمساز فراتر برد؛ اینکه مضمون خاص آن، مسوولیت اجتماعی فیلمسازش را بسیار بالا برد. تا اندازه‌ای که به نظر می‌رسد این موضوع روی سرنوشت فیلم بعدی او هم تاثیر بگذارد. «شیار ۱۴۳» با وجود کاستی‌هایش توانست توجه مخاطبان را جلب کند و مهم‌تر از آن نشان داد فیلمسازی زن با پیشینه ادبیات می‌تواند حرفی برای گفتن داشته باشد. با این نگاه کنج‌کاونه منظر فیلم سوم نرگس آبیار خواهیم بود.

۴ در بدو امر فکر می‌کردید استقبال خوبی از «شیار ۱۴۳» شود؟

تا حدودی، چون در جشنواره فیلم فجر جزو بهترین فیلم‌های مردمی شد و در جشنواره مقاومت هم موفقیت‌هایی کسب کرد؛ در اکران‌های دانشگاهی هم نزدیک به ۱۵۰دانشگاه تقاضای نمایش فیلم را داشتند که درنهایت فیلم را در ۶۰، ۵۰ دانشگاه اکران کردیم. در اکران عمومی هم شاهد بازخوردهای خوبی بودیم. حتی به شهرهای مختلف ایران دعوت شدیم. بنابراین، درنهایت چنین استقبال در اکران عمومی را پیش‌بینی می‌کردیم. حالا اینکه این روند ادامه داشته باشد، مهم است.

۴ اما یکی از عواملی که باعث شد فیلم در زمان جشنواره مورد توجه قرار گیرد، دفاع جانانه ابراهیم حاتم‌کیا از آن زمان بود که به اصطلاح جنجال به پا کرد؛ ضمن اینکه پیش از آن، فیلم در مرحله انتخاب کنار گذاشته شده بود. اصل قضیه چه بود؟

آن زمان که زمزمه راه‌نیافتن فیلم به جشنواره به گوش‌مان رسید، ما جلسه‌ای در دفتر تولید فیلم گذاشتیم و از افراد مختلف دعوت کردیم آن را ببینند. البته خیلی‌ها آمدند مانند آقای عبدالجبار کاکایی…

۴ درواقع نویسندگان به یاری‌تان شتافتند؟

به نوعی بله. حتی آقای مهدی نادری آمدند و کلی برای فیلم تبلیغ کردند. تا اینکه آن اتفاق در جشنواره فجر افتاد. جالب است بدانید من آقای حاتم‌کیا را برای اولین‌بار در جشنواره فجر از نزدیک دیدم. البته در فاصله‌ای دور از ما ننشسته بودند. روزی که برای نخستین‌بار فیلم «شیار ۱۴۳» در برج میلاد به نمایش درآمد، من دلهره داشتم و به قولی رنگ به صورتم نبود. من و خانم‌ها عباسی و زارعی کنار هم نشسته بودیم و فیلم را می‌دیدیم. مدام تو دلم می‌گفتم خدایا کمک کن. حتی خانم عباسی هرازگاهی با تعجب به من نگاه می‌کرد و می‌گفت داری چه کار می‌کنی؟ خانم زارعی هم گریه می‌کردند. تا اینکه فیلم تمام شد و خوشبختانه با تشویق‌های مکرر روبه‌رو شدیم. برخی گریه می‌کردند. در پایان هم عده‌ای آمدند و به خانم زارعی و من تبریک گفتند. سپس به سالن پرسش‌وپاسخ رفتیم. جمعیت زیاد بود. همان‌جا متوجه شدم که خانم زارعی پیامکی دریافت کردند با این مضمون که آقای حاتم‌کیا فیلم «چ» را به «شیار ۱۴۳» تقدیم کردند.

۴ پس شما مستقیم در جریان این مساله قرار نگرفتید؟

خیر. با این مساله در سالن مواجه و گفتند زده شد. این اتفاق را موهبت الهی دانستم که کارگردانی همچون ابراهیم حاتم‌کیا، فیلم «چ» را به «شیار ۱۴۳» تقدیم کرد. چون با وجود انتقاداتی که به فیلم شده بود، وقوع چنین اتفاقی را باور نمی‌کردم.

۴ ظاهرا یکی از ایرادهایی که هیات انتخاب به فیلم وارد کرده بودند، گریم فیلم بود؟

بله. به گریم خانم زارعی ایراد گرفته بودند…

۴ اصلا مساله هیات انتخاب با فیلم چه بود؟

وقتی ما فیلم را به جشنواره فرستادیم، نسخه فیلم کامل بود. درحالی که شاهد بودیم برخی از فیلم‌ها همان زمان در مرحله فیلمبرداری و هنوز مراحل فنی را طی نکرده بودند، با این حال مورد پذیرش جشنواره قرار گرفتند. به‌هرحال با آقای رضاداد جلسه گذاشتیم و موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم و درنهایت فیلم به جشنواره راه یافت.

۴ یکی از ایرادات «شیار ۱۴۳» لرزش‌های دوربین و عدم ایستایی است. به‌طور کلی اگر از نقطه‌نظر شخصیت‌پردازی بخواهیم زنی را که قرار است استوار و محکم باشد، نشان دهیم که سال‌ها در انتظار فرزندش است، قطعا در مواجهه با او باید ایستایی و استقامتش را ببینیم. نه لرزش و سستی‌اش را؟ البته فیلم قبلی شما «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» هم دوربین روی دست بود. چرا چنین دکوپاژی را انتخاب کردید؟

خب من سال‌ها مستند، البته مستند فرم و فیلم کوتاه کار می‌کردم و حتما می‌دانید عقبه نویسندگی هم دارم. درکارهای مستند همیشه به قاب‌بندی‌های شکیل و خوب اعتقاد داشتم و سعی می‌کردم در عمل هم چنین‌کنم. اما در مستندهای آخرم به این حس و نتیجه رسیدم که دیگر قاب‌های قشنگ من را راضی نمی‌کرد. چون حواس مخاطب را پرت می‌کند و باعث می‌شود موضوع اصلی از بین برود.

۴ منظورتان این است که پرداختن به فرم، محتوا را از بین می‌برد؟
فدقیقا. البته ممکن است در حیطه کار تجربی، کسی بخواهد روی فرم و ساختار متمرکز شود که این قضیه فیرق می‌کند. ولی مثلا اگر بخواهم یکدفعه وارد خانه مردم شوم، در مواجهه اولیه حس برکری را منتقل می‌کنم که قاب‌بندی حساب‌شده می‌تواند حس‌وحال خوب را از آن بگیرد. بنابراین در مستندهایی به این نتیجه رسیدم که باید از بداهه استفاده کنم و بهتر است دوربین نزدیک به چشم انسان‌ها باشد. در فیلم «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» هم از نگاه آدم‌های داستان ماجرا را دیدم، چون می‌خواستم به مستند نزدیک شود. برای باورپذیری فضا، دوربین روی دست را انتخاب کردم که خوشبختانه در بخش بازار به من جواب داد. **۴ البته در سکانس بازار این کار اجتناب‌ناپذیر بود. چون بضاعت و امکانات سینمای ایران اجازه بیش از این را نمی‌دهد؟**

سینمای ایران

سینمای ایران

آن صحنه‌هایی که می‌توانستم بیشتر به آن بپردازم، سکانس مربوط به سرکتاب‌بازکن بود. چون لوکیشن زیبایی داشت. اما به نظرم این لوکیشن می‌توانست توجه‌ها را از سمت الفت منحرف کند. بنابراین هر چیزی که الفت را تحت‌الشعاع قرار می‌داد، حذف کردم.

۴ خب این نشانگر شیفتگی شما به قهرمان داستانتان است. به‌هرشکل شما از دنیای ادبیات می‌آیند که البته این مساله در قالب واژگان جواب می‌دهد. به‌طور مثال شما می‌توانید در پنج صفحه قهرمان خود را توصیف کنید. اما در تصویر و سینما جور دیگری باید به آن بپردازید. بنابراین این مدیوم الفبای خاص خودش را می‌طلبد.

به نظرم یکی از فیلم‌های خوبی که درباره زن و دنیای درونی‌اش ساخته شده، فیلم «به‌همین‌سادگی» آقای میرکریمی است.

۴ بله. البته آقای میرکریمی تعریف می‌کرد که در جشنواره مسکو عده‌ای چون ایشان را از نزدیک ندیده بودند. فکر می‌کردند کارگردان «به‌همین‌سادگی» زن است و نه مرد.

(خنده) خب به این دلیل که جزئیات درباره مسایل زنان را به‌خوبی نشان دادند. البته من هم در فیلم «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» سعی کردم جزئیات را درباره زنان نشان دهم.

۴ در فیلم اول بیشتر فضا مورد نظرتان بود. ولی «شیار ۱۴۳» فیلمی است درباره شخصیت…

بله. همین‌طور است؛ ولی در آن، فضاسازی هم داریم. چون داستان در روستا می‌گذرد، زنانگی زن روستایی خشن است. طبیعتا این دو زن خیلی با هم فرق می‌کنند. تمام مدت می‌خواستم عشق الفت به پسرش را نشان دهم و همین‌طور سال‌ها انتظارش را. **۴ گرایش شما به ساخت فیلمی درباره شهدای دفاع مقدس به پیش‌زمینه فعالیتتان در نگارش رمان برمی‌گشت؟**

در مجموع می‌توانم بگویم در داستان‌هایم بیشتر فرم غلبه می‌کند. مثلا در مجموعه‌داستان «قصه زنی که همه‌اش یاس‌های فلسفی داشت» (۱۳۸۰) قصه زنی را تعریف می‌کردم که مدام یاس فلسفی داشت. اصلا آن‌موقع فکر نمی‌کردم که وارد فضای جنگ شوم تا اینکه از جایی کار سفارشی گرفتیم. اما چون موضوع را دوست داشتم فکتم بد نیست که امتحان کنم.

سینمای ایران

قاب حقیقت

درحاشیه مستند چنارستان

روایتی تاریخی از یک طلوع وافول



محسن خیمهدوز

مستند چنارستان (هادی آفریده) تاریخ صدساله ایران را از طریق بیان سرگذشت چنارهای خیابان ولیعصر بررسی و روایت می‌کند

در این مستند از افتتاح راه‌آهن توسط رضاشاه، تا شکل‌گیری مغازه‌ها و شغل‌های کنار خیابان ولیعصر، از گروه لاک‌تک و فرهاد تا خانه پدری فروغ فرخزاد و بیان خاطرات او در این خانه، از ترانه‌های فولکور مرثضا احمدی در مورد تهران و تجربش تا شکل‌گیری سینماهای خیابان ولی‌عصر و سوختن‌شان، از تبدیل خیابان پهلوی به خیابان دکتر مصدق و سپس تبدیل آن به خیابان ولیعصر، و سخنرانی‌های شب‌های کانون تا پخش صدای دکترغلامحسین ساعدی درباره «شبه‌هنر» و «شبه‌هرمندان» در ایران، از دادگاه دکترمصدق تا ظهور کمینیسم سیاسی برای برانداختن او و حمله به خانه دکترمصدق در حوالی خیابان پهلوی، از زندگی شبانه خیابان پهلوی در قبل از انقلاب تا اتفاقات سیاسی خیابان ولیعصر در بعد از انقلاب (وقایع روزهای انقلاب، کردهای‌های اول انقلاب، از خاطرات شفاهی مرثضا احمدی و حوری اعتصام تا خاطرات کامران عدل و ایرج حسابی و علی دهباشی درباره خیابان ولیعصر (تهران قدیم و جدید)، سرانجام بررسی سرنوشت خانه‌های قدیمی پیشینیان در خیابان ولیعصر که هرکدام اینک یک میراث فرهنگی اند و نشان‌دادن سرنوشت نامطلوب بعضی از آنها، از جمله منزل یکی از سران قاجار که اینک «تحدادیه صنف قضایان تهران» است؛ مستند «چناران» که فرم مناسب و چشم‌نوازی دارد، از منابع معتبر و تصاویر بکر آرشیوی استفاده‌کرده‌است.

در چندپلان از «چناران» خیابان ولیعصر از نمای بالا (از فاصله ۴۰۰متری از سطح زمین) تصویربرداری شده که پلان‌های جذاب و دیدنی شده‌اند. این مستند هرچند وضعیت رقت‌انگیز چنارهای خیابان ولیعصر فعلی را نشان می‌دهد (کاهش ۸۵۰۰۰ چنار به ۶۰۰۰ چنار) اما مروری به تاریخ معاصر ایران نیز دارد. مستند «چناران» در عین‌حال که بی‌طرفی را در روایت‌ها حفظ کرده، اما در همین اندازه هم موفق شده بخش‌هایی از آسیب‌های ملی را نیز نشان‌دهد.

هرچند برخی بعد از اولین اکران پربیننده «چنارستان» در جشنواره سینما- حقیقت (که در سینما فلسطین در جریان است) خوانان حذف فیلم و انجام پروژه شلوغ‌کاری علیه آن و سازنده‌اش (هادی آفریده، مستندساز جوان) شده‌اند، اما «چنارستان» جایگاه شایسته‌ای در سینمای مستند ایران خواهد داشت و بارها دیده خواهد شد. دومین اکران «چنارستان» جمعه ۱۴آذر۹۳، ساعت ۱۶، در سالن شماره‌یک سینما سپیده است.

شرق: اولین نمایش فیلم‌های کوتاه ایرانی ۱۴آذر ساعت ۹در سالن سینماکان پردیس سینمایی قلهک با حضور کارگردانان و هنرمندان سینما برگزار خواهد شد. این پردیس تصمیم دارد با اکران فیلم‌های کوتاه و ارزشمند ایرانی گامی در جهت آشنایی مخاطبان در این زمینه بردارد.

حوالی برج میلاد

چرا «سیمرغ» عکس از «فجر» پرکشید؟



بهناز شیربانی

درست ۱۷سال پیش بود که تصمیمی مبنی بر حذف بخش عکس از جشنواره فیلم فجر گرفته شد؛ تصمیمی که پس از ۹سال، در جشنواره بیست‌ونجم به دبیری علیرضا رضاداد لغو شد. امسال اما متأسفانه بار دیگر شاهد حذف بخش عکس از جشنواره فیلم فجر هستیم. به‌جز یک‌دوره که جایزه بهترین عکاس فیلم در اختتامیه و همانند دیگر شاخه‌های سینمایی اهدا شد، در همه این سال‌ها سیمرغ و جایز این بخش در افتتاحیه اهدا می‌شود؛ اتفا